

SECULAR STATE IS *A* HUMAN RIGHT And Religious State Creates Religious Wars

<http://www.ghandchi.com/421-SecularStateHumanRight-plus.htm>



حکومت سکولار *یک* حق بشر است و حکومت مذهبی هم جنگ مذهبی میآفریند

سام قندچی

امروز اخبار کشته شدن تعداد زیادی از زائران شیعه در پی وحشت جمعی آنها از شیعه یک بمب گذاری انتحاری و تلفاتی که در اثر ازدحام جمعیت در زیارت کاظمین عراق اتفاق افتاده در جهان منتشر شد. **برخی** میگویند ارقام کشته شدگان مصنوعاً از سوی شاخه ای از شیعیان افراطی ساخته و پرداخته شده است تا آنها بتوانند رقباي شیعی میانهم رو خود را از حکومت عراق به کنار زنند، تا که خود آنها یعنی شیعیان افراطی قدرت را در عراق قبضه کنند و بدینصورت بتوانند با سنیان و دیگر مدعیان قدرت در عراق بطور "شایسته" مقابله کنند.

جدا از اینکه چقدر این شایعات درست باشند، یک واقعیت انکار ناپذیر است و آن اینکه در عراق جنگ سنی و شیعه از روزی که طرح حکومت اسلامی از نوع شیعه آن در آن مرز و بوم مطرح شده، به واقعیتی انکار ناپذیر مبدل شده است، و حضور نیروهای نظامی آمریکا و هم پیمانی آنها با شیعیان این تصور را ایجاد کرده که ستیزه گران اسلامی مسأله شان کماکان حمله یه آمریکا است. در واقع فاجعه کاظمین گام بعدی در این جنگ های مذهبی است، به این معنی که جنگ شیعه و سنی حالا به جنگ جناح های مختلف شیعه گسترش یافته و وقتی هر یک از آنها شیعه مورد نظر خود را میخواهند نسخه دولت آینده عراق و قانون اساسی اش کنند.

در واقع کشیده شدن جنگ میان شیعیان عراق بسیار مشابه جنگ درون سنیان در افغانستان است، که مدتهاست شاهدش هستیم، و آنجا هم بخاطر حضور آمریکا، بنظر، جنگ، جنگ باز ماندگان طالبان با آمریکا مینماید. جالب است که یک **فرمانده** ارشد نظامی ناتو در افغانستان، این روزها که نزدیک به انتخابات پارلمان افغانستانیم، این واقعیت را دیده که افزایش خشونت ربطی به جنگ بازماندگان شورشیان طالبان سابق با آمریکا ندارد، و بگفته وی نتیجه رقابتهای آنهاست که اکنون در قدرتند. وی فکر میکند که علت فقط اختلافات سیاسی است. البته اختلافات سیاسی، واقعیت همه کشمکش های مربوط به دولت در هر جامعه است، اما در این جوامع که قبول حکومت مذهبی به اختلافات سیاسی رنگ فنانیک مذهبی بیشتر میدهد، در پرتو رنگ حقانیت مذهبی اختلافات، هر جنایتی توجیه میشود، همانگونه که آیت الله خمینی ابتدا قتل سلمان رشدی را جایز شمرد و بعدها پیروانش قتل آعاجری شیعه که در گذشته همراه خمینی در فتوای قتل رشدی بود را هم جایز شمردند.

واقعیت این است که متأسفانه هنوز موضوع داشتن حکومت سکولار بصورت "حقوق بشر" نگریده نمیشود. تا از حقوق بشر میگوئیم، حق بیان، اجتماعات و غیره در نظرمان میآید و فراموش میکنیم که وقتی در رژیم مذهبی زندگی کنیم، تعبیر مذهبی معین دولت، بر تعبیر هر جریان مذهبی دیگری رجحان خواهد داشت، و در نتیجه تبعیض و نقض حقوق بشر در اساس چنین رژیم آپارتاید مذهبی تهفته است، و تا زمانی که حکومت، حکومت مذهبی است، نمیشود آپارتاید مذهبی را از آن زدود و باصطلاح دموکراسی مذهبی ساخت. در نتیجه این خود فریبی است که از دموکراسی اسلامی در افغانستان یا عراق سخن بگوئیم همانگونه که سالها اصلاح طلبان اسلامی در ایران از دموکراسی اسلامی خیالی حرف زدند و مردم را به بیراهه بردند. رعایت حقوق بشر و نفي تبعیض یعنی به دور ریختن حکومت مذهبی و تأسیس حکومت سکولار.

همه فرمول هاي "مردم" پسندانه جمهوري هاي اسلامي دموکراتیک محکوم به آنند که جنگ هاي مذهبي را دير يا زود در خود بپروراندند و دامن زنند. اگر در ايران جمهوري اسلامي، بخاطر اکثريت مطلق شيعه، و در افغانستان طالبان، بخاطر اکثريت مطلق سني، مدتي طول کشيد تا جنگ مذهبي در درون خود شيعه يا در درون خود سني ها شروع شود، و امثال آعاجري ها بخاطر پروتستانيسم شيعه مورد تکفير اکثريت روحانيت شيعه قرار گيرند، و تا مرز اعدام به جلو روند، در عراقي که نه سني ها و نه شيعيان اکثريت مطلق ندارند، جنگ سني و شيعه خيلي قبل از اينکه قانون اساسي جمهوري اسلامي تازه اي براي آن ديار نوشته شود، آغاز شده است، آتش جنگ مذهبي زبانه ميکشد و ميرود که منطقه را با خود ببرد.

مسأله حکومت هاي مذهبي در خاورميانه نکته اي است که نيروهاي مترقي در غرب بایستی به آن توجه کرده و از سکولاریسم دفاع کنند. دفاع از حقوق بشر در خاورميانه يعني دفاع از حق بشري مردم در داشتن حکومتي سکولار. همانگونه که رأي عمومي براي ممنوعيت آزادي بيان نبایستی دليلي براي حذف اين حق بشر شود، رأي عمومي براي دولت مذهبي نبایستی دليلي براي به دور انداختن حق بشر براي حکومت سکولار تلقي شود.

تروریسم در خاورميانه، ديگر محدود به مبارزه نيروهاي مذهبي واپس گرا با پيشرفت و دموکراسي نيست بلکه جنگ هاي مذهبي با نيروهاي واپس گراي رقيب، ميرود که رشد سکولار خاورميانه را به نابودي کشد. اگر از آغاز جمهوري اسلامي در ايران تا **11 سپتامبر**، یک درس را جهان آموخته باشد، آن درس نياز به جدائي کامل دولت و مذهب است.

به امید **جمهوری آینده نگر** فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ايران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

10 شهریور 1384

September 1, 2005

مطالب مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/500-FuturistIran.htm>

<http://www.ghandchi.com/600-SecularismPluralism.htm>

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>

